

The Year of Three

Ferdinando Frega

GILLETTE: سال عدد سه — پردهٔ 2

در یک زندگی آن‌قدر چیزها همه با هم رخ می‌دهند که فراموشی طبیعی می‌شود — احساسات به یاد نمی‌مانند، در لحظه زیسته می‌شوند. واقعیت‌ها در حافظه می‌مانند.

آن صبح 29 مه، در طبقهٔ دوم اتاق بازرگانی Reggio Calabria حاضر شدم. 28 سال داشتم. زنی به استقبالم آمد، خود را منشی رئیس معرفی کرد و گفت ورودی طبقهٔ پایین است — احتمالاً راه را گم کرده بودم.

در واقع، من به‌عنوان عضو شورای هیئت نمایندگان بازرگانی به اینجا احضار شده‌ام. این هم تلگرام.

ببینم: آقای Frega Ferdinando، احضارشده برای 29 مه، ساعت 9:30 — اما حتماً اشتباهی شده. شاید منظور Frega دیگری بوده. شاید پدرتان. شما خیلی جوانید. این باید اشتباه باشد. کارت شناسایی‌تان، لطفاً.

بررسی کرد و ده دقیقه بعد با خود رئیس بازگشت، که به گرمی به من خوشامد گفت — جوان‌ترین عضو شورا در هیئت نمایندگان ایتالیا.

منشی چنان به من نگاه کرد که آدم به بیسونی زخمی نگاه می‌کند که هنوز نمرده و نمی‌داند اول کجایش را بزند. وقتی به خود آمد: آقای Frega، ببخشید — شما در واقع چه کاره‌اید؟

از «آقا» گفتنتان ممنونم، اما من فقط دورهٔ راهنمایی را تمام کرده‌ام، بی‌دیپلم. تیغ ریش‌تراشی می‌فروشم — خرده‌فروشی، هنوز حتی عمده‌فروشی نه. به من گفته‌اند هنوز آماده نیستم.

پس چرا اینجا منصوب شده‌اید، و چه کسی منصوبتان کرده؟

همین را از خودم پرسیده‌ام. همکاری که 2000 سال پیش با او کار می‌کردم دوست دارد از این شوخی‌ها با من بکند. من هیچ‌وقت نمی‌پرسم چرا.

صبر کنید — شما عضو هیئت ملی Confcommercio Italia هم هستید. آن هم از طرف آن‌ها آمده. و فقط تیغه‌های Gillette می‌فروشید؟

بله، خانم. فقط خرده‌فروشی. هرچند تصور کنید روزی آن‌ها را بسازم و عمده بفروشم، در منطقه‌ای بزرگ‌تر. آن‌وقت چه می‌شد؟

از همکار 2000 سال پیشتان بپرسیم؟

هاهاهاهاها.

جلسه آغاز می‌شود. دوازده نفریم. رئیسی تعیین می‌شود، منشی‌ای، اعضای شورا، خزانه‌داری — و یک نقش باقی می‌ماند، در حالی که همه به من نگاه می‌کنند: مسئول مطبوعاتی.

رد می‌کنم. هرگز در آن کار خوب نبودم.

Ferdinando